



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

پرتال جامع علوم انسانی در نظام آموزش و پرورش

پرتال جامع علوم انسانی در نظام آموزش و پرورش

پرتال جامع علوم انسانی در نظام آموزش و پرورش



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انسانی

○ به نظر شما چرا دوباره بحث «اصلاح در نظام آموزش و پرورش» مطرح شده است؟
واقعیت‌هایی که این اصلاح را الزامی می‌کند کدامند؟

● گر چه ایده اصلاح طلبی، اصلی است که محدود به زمان و مکان معین نمی‌گردد و همواره معطوف به دگرگونی اجتماعی، تربیتی و سیاسی می‌باشد، اما اصلاح‌گران در هر زمانی به ضروری‌ترین و فوری‌ترین آنها در لایه‌ها و نهادهای اجتماعی می‌پردازند و تحول در ساختارهای اجتماعی را طلب می‌کنند که چالش‌های جدی را به وجود آورده است. از این رو عزیمت به اصلاحات در نظام آموزش و پرورش با تحولات سریعی که در جامعه بوجود آمده و دغدغه‌ها و نگرانی‌های بس جدی برای نسل جدید فراهم ساخته و الگوهای سنتی را به شدت دچار آسیب ساخته ضروری می‌نماید، از این رو، اصلاحات، طرح و برنامه‌ای است مناسب با تحولات، ضرورت‌ها، دغدغه‌ها و آینده نگری نسبت به نسل جدید.

سوگمندانه باید گفت که اصل اصلاحات در شرایط کنونی برای عده‌ای واکنش‌های منفی و یا تفسیرهای غلط و انحرافی ایجاد کرده است، وگرنه چه کسی منکرگام اساسی برای اصلاح جامعه در سطح کلی و تغییرات جدی متناسب با تحولات در نظام آموزش و پرورش به طور اخص می‌باشد.

به نظر اینجانب واقعیت‌هایی که این اصلاح را الزامی می‌کند این موارد هستند:

۱- تغییر الگوهای سنتی به الگوهای اجتماعی و تحول در مدل زندگی و خواسته‌ها و اولویت‌های آن

۲- به هم خوردن هرم سنتی جامعه و میل جامعه به تغییر و تحول اساسی و ناکارآمدی شعارهای پیشین.

۳- پیدایش افشار اجتماعی در شهرها و برتری نسبی شهرنشینان بر روستائیان، که این خود آثار و بی‌آمدهایی در مدل اجتماعی و برخورد با مشکلات بوجود آورده است.

۴- افزوده شدن جامعه تحصیل کرده و دانشجو و فضای فکری و علمی که بر خانواده تأثیر می‌گذارد و منطق و زبان علمی و استدلالی را در برخورد با مسائل طلب می‌کند، از سوی دیگر این تغییر، تأثیرات و بی‌آمدهای خاص خودش را دارد.

۵- ایجاد ناکامی‌ها در طرح شعارهایی در جهت بهبود زندگی و حل مشکلات و بی‌اعتمادی نسبت به ارائه راه حل‌ها.

۶- آسیب‌پذیری اجتماعی در اثر از بین رفتن حفظ توازن و کنترل اهرم‌های سنتی خانواده، محیط تعلیم و تربیت و قانون.

۷- مشکلات اشتغال و گستره بیکاری و افزایش ساعات فراغت که به دنبال خود با افزودن بر خواسته‌ها همراه با ضایعات بیکاری، آسیب‌پذیری بخشهایی از جامعه را تهدید می‌کند، و لایه‌های اجتماعی را دچار فرسایش کرده است.

۸- تغییر مدل اطلاع‌رسانی و جهانی و سریع شدن اطلاعات و عدم وابستگی به نظام اطلاع‌رسانی داخلی در اثر بسته شدن مطبوعات و بی‌اعتبار شدن رسانه ملی.

۹- شرایط جهانی در جهت گرایش به نفی حرکات خشونت‌آمیز و تأکید فراوان بر حقوق بشر.

۱۰- محاصره همه جانبه کشور از سوی آمریکا و تهدیدهای جدی آن کشور و همچنین سوء استفاده اسرائیل از وضعیت پس از ۱۱ سپتامبر به نفع مبارزه علیه ملت فلسطین و مدافعان آن.

به این جهت دو نوع اصلاحات ایجاد می‌کند: اصلاحات در ساختار آموزش و پرورش و اصلاحات در نظام آموزشی و پرورشی کشور. یادآوری این نکته ضروری است که بسیاری وقتی سخن از اصلاحات می‌کنند بیشتر اصلاح در برنامه‌های درسی، آموزشی و کتابها و حداکثر در شیوه تعلیم و تربیت را پیشنهاد می‌دهند، در صورتی که تا دگرگونی در روابط فرهنگی و اجتماعی و در ساختار آموزش و پرورش ایجاد نشود، آن اهداف و اصلاحات در برنامه و در سطح نوشته‌هایی در کاغذ باقی خواهد ماند. بدین

جهت نکات زیر در اصلاح نظام آموزش و پرورش ضروری به نظر می‌رسد.

۱- اصلاح در ساختار فکری و بینشی مدیران و کارگزاران وزارت‌خانه نسبت به اصلاحات با آگاهی از تحولاتی که در جامعه پدید آمده و ظرف زمانی آموزش و پرورش تغییر یافته و اگر برنامه‌ای باید، لازم است مناسب با این تحولات انجام گیرد.

۲- تغییر بینش مدیران در شیوه آموزش مناسب با تغییرات ایجاد شده بویژه شرایط آسیب‌پذیر کشور و مشکلات اجتماعی و اقتصادی و چالش‌های فرهنگی و بحران‌های سیاسی.

۳- تغییر در شیوه برخورد با کادر آموزشی کشور (فرهنگیان از زحمت‌کش‌ترین اقشار اجتماعی هستند و در عین حال این شغل از حساس‌ترین مشاغل است) این تغییر از چند جهت قابل اهمیت می‌باشد: عدم استفاده از روش قدرت‌مداری، تحقیر شخصیت، ابزارانگاری معلمان و همچنین بالا بردن قدرت بالندگی و پویندگی معلمان و واگذاری اختیارات به مدیران میانی.

۴- تغییر در بینش مسئولین آموزش و پرورش نسبت به شیوه‌های تربیتی و آموزش دینی. در این راستا برنامه ریزی برای بهره‌گیری از روش‌های غیر مستقیم تربیتی و مهجور کردن روش‌های پلیسی، کلیشه‌ای، بخشنامه‌ای و اجبار کردن تکالیف دینی، ضرورت دارد.

در این مرحله است که می‌توان نسبت به اصلاح در نظام آموزشی کشور امیدوار بود و تغییراتی را در این بخش پیشنهاد داد.

در بخش اصلاح نظام آموزشی کشور چند نکته قابل توجه است.

۱- بهره‌گیری از همه استعدادها و کنار گذاشتن تنگ نظری‌ها و اعمال نظر بخشی‌نگری و جناح‌بندی در سیستم بهره‌گیری از نیروهای انسانی.

۲- استفاده از نیروهای متخصص جامعه در برنامه ریزی کلان اصلاحات بیرون از تشکیلات.

۳- اهتمام به اصل جریان اطلاعات و نقد و پالایش مستمر آن از طریق گفتگو و فرصت دادن به مخالف.

○ بحث «جهانی شدن» چه ضرورتی را برای اصلاح در نظام آموزش و پرورش مطرح می‌سازد؟

● اگر دست کم بپذیریم که ما در حال پشت سر گذاشتن فرایندی هستیم که در آن

نقش و اهمیت جغرافیا، فضا و زمان کمترنگ می‌شود، در آن صورت باید بپذیریم که نمی‌توانیم از آثار جهانی شدن به لحاظ دینی و فرهنگی بی‌تأثیر باشیم، مگر اینکه خود را برای آن شرایط آماده کنیم و نسل جدید را در برابر چالش‌های آن مصون سازی کنیم. در آن صورت اصلاح در نظام آموزش و پرورش به این معناست که برنامه‌های آموزشی و تربیتی را بگونه‌ای بریزیم که مواجهه با آن اطلاعات و کوشش‌ها تبدیل به بحران نشود. به این معنا که فاصله‌ای نباشد تا ایجاد خلأ کند. به نظر می‌رسد مهم‌ترین مشکل جهانی شدن در نظام تعلیم و تربیت و در کشورهایی چون ایران، فاصله هاست؛ یعنی اینکه سطح علمی، آموزشی و اطلاعات نباید به گونه‌ای باشد که نیروهای انسانی احساس عقب ماندگی و جدایی و خودباختگی کنند و یا در برخورد با جاذبه‌های فرهنگی دنیا وارفنگی و روحیه تسلیم به آنان دست دهد. تجربه غرب زدگی در دهه‌های پیشین به ما می‌گوید از گذشته عبرت بگیریم و سعی کنیم فضاهای مجازی ایجاد نشود و سازماندهی آموزشی و علمی را بگونه‌ای ترتیب دهیم که افزون بر افزایش سطح علمی و هماهنگی رشد آموزشی و اطلاع رسانی، نسبت به جریان‌های تخریب‌گر و فساد برانگیز و بی‌هویت ساز، نیروهای خود را مصون سازی کنیم. این مصونیت سازی به معنای برخورد و حذف نیست، بلکه به معنای واکنش‌ناهی است.

نکته دیگر در بحث اصلاح در نظام آموزش و پرورش و ایجاد آمادگی و مصون‌سازی، پرورش نیروهای مناسب با تحولات جهانی است که در امور ذیل می‌تواند خلاصه گردد:

۱- اهتمام به علم از هر کجا که می‌خواهد باشد، آنچنان که در آموزه‌های دینی ما آمده: «اطلبوا العلم ولو كان بالبعير»؛ دانش بیاموزید، گر چه از کشور (دور افتاده‌ای چون) چین باشد و نیز «خذوا الحکمة ولو كان من المشركين [ولو كان من الکافرين]. حکمت را بگیرید، هر چند از مشرکین [و کافرین] باشد.

۲- اهتمام به کار و تلاش در هر شکل و قیافه و مناسب با هر قشر و طبقه، تازمین خود اتکایی و استقلال فراهم گردد و فرهنگ خود اتکایی جایگزین فرهنگ منفی «یک شبه پول دار شدن و ثروت‌های باد آورده بدست آوردن و...» شود.

۳- پذیرش مخالف به عنوان واقعیت اجتماعی و تحمل نیروها و ایجاد سعه صدر و پرهیز از خشونت تا فرهنگ، تبادل و تعامل جایگزین فرهنگ حذف و انگ و تکفیر شود.

۴- آموزش ضرورت انتقاد و نقد قدرت در جهت اصلاح و تعادل و پذیرش نیروی مخالف در کانون‌های قدرت.

۵- آموزش جلب مشارکت و اعتقاد به بکارگیری استعداد‌های مختلف و ترویج اعتقاد به این اندیشه در ذهن دانش‌آموزان که کارها با یک دست انجام نمی‌شود: و یدالله مع الجماعة.

۶- ایجاد رقابت سالم فکری و آموزشی و مبارزه با خود باختگی، خود سانسوری و برخوردهای حذفی و خشونت .

نکته سوم: کشوری هم اکنون می‌تواند با سربلندی به شبکه جهانی به پیوندد و یا پیوند او با جهان گسست ایجاد نکند که اطلاعات بیشتری تولید کند و یا دسترسی بیشتری به اطلاعات داشته باشد. کشوری جزء کشورهای توسعه یافته محسوب می‌شود که تکنولوژی اطلاعات را در اختیار داشته باشد و از آن بتواند به نحو احسن بهره برداری کند. اگر نظام آموزش پرورش نتواند زمینه‌های بازپروری و تولید اطلاعات را فراهم کند و یا با انسداد اطلاعات مواجه باشد و خود به سانسور اطلاعات دست بزند یا در برخورد با اطلاعات منطقی، منظم و هدف‌دار، واکنش مثبت نشان ندهد، نمی‌تواند از این شکاف و ضایعات شکننده آن جلوگیری کند. در آن صورت است که مانند دانش‌آموز دور افتاده روستایی خواهد بود که یکباره وارد شهر شده و از هیچ چیز با خبر نیست، در دام این و آن می‌افتد یا دست کم مورد تحقیر و بی‌کاری قرار می‌گیرد، شخصیت خود را از دست می‌دهد، اعتماد به فعالیت مفید ندارد و خود را در جمع شهروندان بیگانه احساس می‌کند. چنین دانش‌آموزی اگر هم بخواهد مفید واقع شود، سخت و شکننده است؛ زیرا فاصله‌ها بسیار و سرعت حرکت رقیب غیر قابل مقایسه است. این قضیه را می‌توان در شرکت دو دانش‌آموز در کنکور سراسری مثال زد که یکی کتاب‌های آموزشی و کمک درسی دارد، استاد عمومی و استاد اختصاصی دارد، انواع مشاورین راهنما و تجربه‌های کنکور پیشین را در اختیار دارد و به رقابت با دانش‌آموزی قرار می‌گیرد که هیچ یک از این‌ها را ندارد و می‌خواهد با درس خواندن تنها به رقابت برخیزد. نتیجه چنین آزمایشی شکست فاحش و مایوس کننده برای دانش‌آموز دومی است.

○ مبانی معرفت شناختی اصلاحات در سیستم آموزش و پرورش چیست؟

● گر چه با توضیحاتی که در پرسش‌های پیشین داده شد این مبانی معرفت‌شناسی روشن می‌گردد اما به ذکر چند نکته بسنده می‌شود:

۱- در یک تحلیل علمی و ارزیابی اجتماعی می‌توان کاستی‌های نظام کنونی آموزش و پرورش را به دست آورد. این کاستی‌ها عمدتاً ناشی از فقدان پیوند میان واقعیت‌ها و آموزش‌هاست. بدون شک جامعه ما دچار بحران زدگی است، اما این بحران به عوامل گوناگونی ارتباط دارد و کمتر به آموزش و پرورش ما مرتبط است، اما مشکل جدی در آموزش و پرورش ما به عدم بازدهی مطلوب آموزش‌ها در نظام کنونی این تشکیلات بر می‌گردد. مطالب بسیاری در متون درسی می‌آید. همه ساله تحولاتی در کتابهای درسی بوجود می‌آید، اما آیا این آموزش در اتصال با نیازهای بیرونی و بهره‌گیری نیروها از این آموزش‌هاست. در این صورت باید طرح اصلاحات در یک مثلث: آموزش، واقعیت‌ها و نیازها پیوند بخورد.

۲- از سوی دیگر جامعه ما به لحاظ علمی و معنوی در عقب ماندگی به سر می‌برد، این عقب ماندگی را با یک برنامه ریزی همه جانبه می‌توان جبران کرد. چنانچه رفع مشکلات اجتماعی و اقتصادی کشور منوط به ایجاد آمادگی در بدنه اجرایی آن یعنی نسل جدید است.

۳- نکته دیگر اینکه در صورتی می‌توان در جامعه نسبت به علم و دانش آموزی سرمایه گذاری کرد و به آن بها داد که در ذهن برنامه ریزان و جامعه سازان و در مرحله بعد در ذهن جامعه، علما و دانشمندان و محققان منزلت بالایی داشته باشند، اما اگر گزینه‌گرایی کردیم و هر کس که با ما موافق بود ترویج کردیم و با دانشمندان مخالف خود برخورد مناسب و در شأنی نداشتیم و یا به جای عالمان و فرهنگیان، قدرتمندان و ثروتمندان منزلت پیدا کردند، ترویج علم و اهتمام به علم به سامان نمی‌رسد و تعارضی میان علم و عمل بوجود خواهد آمد.

۴- بی‌گمان الگوهای اجتماعی تغییر یافته و هم اکنون نمی‌توان در ارزش گذاری‌ها همچنان بر الگوهای پیشین پافشاری کرد، اما می‌توان از میان الگوهای جدید مواردی را برگزید که با ارزش‌های ما تناسب تمام دارند و در جهت اصلاح نظام رفتاری مؤثر واقع می‌شوند.

۵- تأکید بر اصول بجای فروع. در میان ارزش‌ها و خواسته‌های ما رتبه بندی وجود

دارد، همه آنها در یک ردیف نیستند، برخی اصلی و برخی فرعی و در مرتبه‌های پایین قرار دارند. در برنامه‌ریزی اصلاحات باید به گونه عمل کنیم که میان اصل و فرع اشتباه نشود و مسائل بنیادین و تأثیرگذار با مسائل فرعی در یک ردیف و درجه اولویت واقع نشوند. جامعه‌ای که اصول را رها کرد و به فروع چسبید، محکوم به زوال است.

○ مبانی دینی اصلاحات در آموزش و پرورش از نظر شما چیست؟

● خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَتْ حَتَّىٰ يَخْتَارَ مَا بَانَفْسُهُمْ: خداوند هرگز ملتی را دگرگون نساخته، مگر اینکه خود آنان، حال خویش را تغییر دهند» (رعد/۱۱). بنابراین اگر در جامعه کاستی و بحران است، باید خود ما به فکر عوض کردن آن باشیم. باید بینیم مشکلات ما از کجا پدید آمده است با واقع بینی و مناسب با شرایط و احوال بگونه‌ای که مؤثر واقع شود، به فکر تغییر آن باشیم.

از سوی دیگر امیر المؤمنین می‌فرماید: إِذَا تَغَيَّرَ السُّلْطَانُ تَغَيَّرَ الزَّمَانُ: هر گاه قدرت تغییر پیدا کرد و نظام سیاسی و اجتماعی، تبعیض و اختلاف طبقاتی، فساد، رشوه، بی‌عدالتی قضایی ایجاد کرد، بدانید که این رفتارهای حکومتی به دنبال خود فقر، فلاکت، محرومیت، فساد، بی‌بند و باری و عصیان ایجاد می‌کند و لذا باید آن عوامل اصلاح شود تا آثار و پوی آموهای منفی نداشته باشد. در صورتی می‌توان این اصلاح را کرد که نظام اداری سالمی بر جامعه حاکم شود. پس تغییر قدرت، تغییرات دیگر اجتماعی را به دنبال خود می‌آورد.

نکته دیگر اینکه تربیت و آموزش بسیار مؤثر است، اما در نظام برنامه‌ریزی آموزش و پرورش عوامل دیگر جایگاه مهمی دارد. امیرمؤمنان می‌فرماید: «النَّاسُ بِزَمَانِهِمْ أَشْبَهَ بِآبَائِهِمْ؛ شباهت مردم به زبان و فرهنگ عمومی از شباهت به پدران بیشتر است» زیرا به معنای تأثیر پذیری جامعه بویژه نوجوانان و جوانان از شرایط بیرون محیطی است. بخشی از این فضای بیرون محیطی در اختیار آموزش و پرورش می‌باشد و آنان هستند که فرهنگ می‌سازند و بخشی را رسانه‌های عمومی و برخی را رفتارهای اجتماعی صاحبان قدرت؛ زیرا در روایت آمده است؛ «النَّاسُ عَلَىٰ دِينِ مَلُوكِهِمْ؛ رفتار مردم آینه رفتار حاکمان آن جامعه است». هر رفتاری و هر مشکل و ضایعه‌ای در حکومت باشد، تأثیر سریع و مستقیم در جامعه خواهد گذاشت. بدون شک یکی از نمودهای جزئی این

سلوک، رفتار مدیران و معلمان است. البته مطالب بسیاری در زمینه مبانی اصلاحات وجود دارد و آموزهای بس زیبا و دلنشینی در آیات و روایات نسبت به امور راهبردی اصلاحات وجود دارد که به دلیل ضیق وقت به مجال دیگری احاله می‌دهم و از خداوند توفیق خدمت به همه دست اندرکاران تعلیم و تربیت را خواستارم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی